



انترناسیونال

۲۷۹

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۲۷ دی ۱۳۸۷، ۱۶ ژانویه ۲۰۰۹

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

دانشگاه شیراز، عرصه مبارزه دانشجویان با جمهوری اسلامی گفتگو با نوید مینائی



نوید مینائی

رهپویان وصال را در شیراز داشت. در واقع اتفاقات شیراز از قبل از روز دانشجو شروع شد. دانشگاه شیراز یکی از مراکز قوی اعتراضات دانشجویان است. در این دانشگاه دانشجویان رئیس دانشگاه را مجبور کردند به خاطر

صفحه ۳

حکومت اسلامی با ارتش اوباشانش بوده است. سردمدار این حمله به دانشجویان بسیج دانشگاه شیراز و کسی که بیشتر از دیگران در تهییج اوباش بسیجی و در واقع تحریک مقامات امنیتی و اطلاعاتی و حراست نقش داشت انجوی نژاد بود. انجوی نژاد همان کسی است که مسئولیت انجمن

انترناسیونال: دانشگاه شیراز همچنان عرصه تقابل دانشجویان معترض و دستگاه سرکوب حکومت اسلامی است. لطفاً از اتفاقات مهم روزهای اخیر در این دانشگاه تصویر بدهید. نوید مینائی: روزهای اخیر دانشگاه شیراز یکی از جبهه های مهم مبارزه دانشجویان از یک طرف و



ستون اول

محسن ابراهیمی

از تراژدی خمینی تا کمدی خامنه ای!

"... همه رویدادها و شخصیت‌های بزرگ تاریخ جهان، به اصطلاح دو بار به صحنه می‌آیند؛ ... بار اول به صورت تراژدی و بار دوم به صورت نمایش خنده دار، ... و در اوضاع و احوالی که دومین روایت هیچ‌دهم برومر در آن رخ میدهد با چنین مضحکه ای روبرو هستیم."

هیچ‌دهم برومر، کارل مارکس

در اوضاع و احوالی که دومین روایت ولایت فقیه در آن رخ میدهد دقیقاً با چنین تصویری روبرو هستیم. مضحکه خامنه ای به جای تراژدی خمینی. خمینی، ابزار و محصول پیروزی ضدانقلاب اسلامی بر انقلاب مردم بود. نماینده عروج و اقتدار جنبش اسلامی و تثبیت و انسجام حکومت اسلامی بود. خامنه ای برعکس، تجسم سقوط و ضعف جنبش اسلامی، فروپاشی و تشمت و استیصال حکومت اسلامی است. این تفاوت هیچ ربطی به شخصیت این دو مرتجع ندارد. حتی اگر خمینی هم امروز زنده بود به همان وضعیتی می افتاد که خامنه ای در آن گیر کرده است. در دنیایی جدا از واقعیتهای اجتماعی و سیاسی، هر دو اینها شخصیت‌های مضحک یک ایدئولوژی ارتجاعی بودند و به یک سنت عقب مانده تعلق داشتند و تفاوتشان در بهترین حالت تفاوت مدالشان در ترویج آداب طهارت میبود. اما به عنوان

صفحه ۲

"قانون برابر برای همه"

آغاز کمپین علیه قوانین شریعه اسلامی در بریتانیا

صفحه ۸

تلویزیون کانال جدید مستقیمی و ۲۴ ساعته از طریق اینترنت قابل مشاهده است

کانال جدید تلویزیون شما است، تلویزیون همه کسانی که آزادی، برابری و رفاه می خواهند، تلویزیون انسانهای آزادی که برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی مبارزه می کنند و همه کسانی که می خواهند راه سرنگونی حکومت ارتجاعی اسلامی را از زبان کمونیستها بشنوند. در ادامه پخش منظم و ۲۴ ساعته تلویزیون کانال جدید از طریق ماهواره هات برد، خوشحالیم به اطلاع عموم برسانیم که این کانال در آمریکای شمالی و همه جای دنیا نیز از طریق اینترنت قابل مشاهده خواهد بود. متأسفانه در ایران به دلیل پائین بودن سرعت اینترنت علاقمندان کانال جدید نمی توانند از طریق اینترنت برنامه ها را دنبال کنند. آدرس اینترنتی کانال جدید را به دوستان و آشنایان خبر دهید. برای وصل شدن به این شبکه به آدرس زیر مراجعه کنید، سپس در قسمت راست از بالا رجیستر را انتخاب کنید و یک ایمیل و پاسورد انتخاب کنید. ایمیل شما باید درست باشد و پاسورد نیز نباید کمتر از ۶ کلمه باشد.

راهنمای عمل:

۱- www.glwiz.com

۲- Register Now

۳- Live TV

۴- New Channel TV

روابط عمومی تلویزیون کانال جدید

صدای مردم در کانال جدید

صفحه ۴

جلسات گفتگو با حمید تقوایی

در چت روم های پلتاک و اینسپیک

گفتار این هفته:

"سید علی پینوشه" و

بحرانهای لاعلاج

جمهوری اسلامی!

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ستون اول

نتوانست رعب و ترس آریامهری را در ایران حاکم کند اما در عین حال همیشه تلاش کرد سمبلهای نظامش، و مشخصاً ولی فقیه را مقدس و غیر قابل تعرض قلمداد کند. وضعیت ولی فقیه، این نماینده خدا و امام زمان در زمین امروز چگونه است؟ در يك كلام به پیسی افتاده است. از اینجا رانده و از آنجا مانده است. زیر پای مردم مانده است و روی دست سران حکومت اسلامی. مردم "سید علی پینوشه" خطایش میکنند و زیر پایش را خالی میکنند و حکومتها ضمن صلوات سر به سرش میگذارند.

روشن است که مردم با قصد به زیر کشیدن حکومت اسلامی تجسم این حکومت را هدف میگیرند؛ حکومتها برای برپا نگه داشتن نظام به فکر از سر کردن ولی فقیه می افتند. ولی فقیه که قرار بود ابزار و نماینده وحدت و انسجام در میان بالای حکومت اسلامی باشد خود موضوع کشمکش در میان بالاییها شده است. عده ای می خواهند مشروطه اش کنند. عده ای اصلاً لزوم ولایت فقیه را زیر سؤال برده اند. در يك جمله، "رهبر معظم انقلاب" روی دست خود ضد انقلاب اسلامی مانده است.

فتوای ولی فقیه در ماجرای غزه اخیرترین و گویا ترین نمونه وضعیت این فرزند خلف امام است. فردای یورش وحشیانه اسرائیل به نوار غزه، ولی فقیه به صرافت افتاد به عنوان نماینده مسلمین جهان فتوا صادر کند. باد در غبغب انداخت و از "همه مومنان دنیای اسلام" خواست در راه اسلام بسیج شوند و به "صف شهادی بدر و احد" پیوندند. و البته این حضرت که خودش يك پا جنایتکار است خواهان "محاکمه و مجازات" جنایتکاران قطب مقابل شد!

در باره شان نزول سیاسی چنین فتوایی بحث مفصلی نمیکنیم که موضوع این مطلب نیست. به همین اکتفا میکنیم که ولی فقیه تصور کرد میتواند روی فرصتی که توحش اسرائیل در غزه فراهم کرده است فرود آید و جنبش اسلامی و حکومت اسلامی را به مثابه قهرمان نجات مردم فلسطین جا بزند. تصور کرد میتواند توجه مردم معترض ایران را از اعتراضشان به حکومت اسلامی منحرف کند. اما این شیادی ابلهانه فقط سزاوار

اسلامی به دهها محفل و باند و دسته تجزیه شده است که هر کدام از ترس فردا، از ترس جنبش رو به گسترش سرنگونی کل نظام، از ترس مردم یکدیگر را به مردم نشان میدهند. آخرین نمونه: دزدان اسلامی حاکم دزدیهای میلیاردری همدیگر را در مقابل مردم رو کردند. و بالاخره، همه نظامهای طبقاتی مقدسات دارند. وضع این مقدسات در میان مردم نشانه ای جدی از وضعیت کل نظام است. اسلام به مثابه یدئولوژی حکومتی مهمترین این مقدسات است. ایدئولوژی اسلامی در ایران آنچنان بی آبرو شده است که طلیعه های يك رنسانس عظیم ضد اسلامی در ایران حتی احمقترین عناصر حکومت اسلامی را هم در کابوس فروبرده است.

ولایت فقیه از لحاظ سیاسی مهمترین مقدسات و ستون فقرات نظام اسلامی است. همچنانکه شاه سمبل و تجسم نظام سلطنتی بود، ولی فقیه هم سمبل و تجسم نظام اسلامی است. شاه برای سلطنت آنچنان مقدس بود که در اوج قدرقدرتی شاه، حتی بکار بردن تردید آمیز کلمه شاه با کابوس اتاقهای شکنجه ساواک همراه بود. مسیر انقلاب ۵۷ که خود شاه و سلطنت و ابواب جمعی اش را به زباله دان تاریخ سپرد، از فروپیزی و فروپاشی تقدس سلطنت و تجسم شخصی اش یعنی شاه رد شد.

موقعیت شاه در میان مردم در ماههای آخر نظام سلطنتی، بوضوح نشان میداد که شمارش معکوس برای جaro کردن نهایی نظام سلطنتی سرعت گرفته است. شاه به مثابه نماینده اقتدار و عظمت و جاودانگی و تقدس نظام سلطنتی، یکباره در میان خودیهای سلطنت به دستمال چرکینی تبدیل شد آنچنانکه حتی خودیها هم میخواستند پرتش کنند. اما وضعیت شاه در میان خودیها محصول و انعکاسی از وضعیت کل نظام و شاه در میان مردم بود. اشک ملتسمانه شاه در پیشگاه مردم، انعکاسی از خنده پیروزمند مردم در مقابل سلطنت و شاهش بود.

لازم است اینجا تاکید شود که اگر چه حکومت اسلامی با تمام توحش و دمدنش و جنایاتش هرگز

شخصیتهای سیاسی، وضعیت واقعی این دو، آینده تمام نمای وضعیت واقعی سیاسی جامعه، به سرپایینی افتادن جنبش و حکومت اسلامی از یکطرف و پیشروی جنبش چپ و سرنگونی طلبانه، جنبش برای آزادی و برابری از طرف دیگر است.

برای ما مردم ایران، برای ما جنبش رادیکال سرنگونی طلب و جنبش برای آزادی و برابری، موقعیت خمینی و خامنه ای، ولی به مثابه تراژدی اسلام سیاسی و دومی به مثابه انتهای مضحك این تراژدی، به دلایل سیاسی موضوعی قابل توجه است. این يك مقایسه از سر تفتن نیست. این مقایسه به این خاطر مهم است که موقعیت متناقض و متضاد این دو شخصیت جنبش اسلامی، در عین حال موقعیت واقعی جنبش سرنگونی طلبانه، جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه را نشان میدهد. اگر پیروزی خمینی به علت شکست جنبش ما امکانپذیر شد؛ شکست خامنه ای، انعکاسی از پیشروی و پیروزی قطعی جنبش ماست. به یمن پیشروی جنبش ما است که تراژدی ولایت فقیه به مضحکه ولایت فقیه تبدیل شده است. جنبش ما و در راس آن حزب کمونیست کارگری، عزم جزم دارد که کل این مضحکه را بر سر بانیش ویران کند.

اوضاع واقعی يك نظام سیاسی را میتوان از طرق زیاد و با اتفاقات متنوعی محك زد. مشروعیت مردمی و قدرت سرکوب نظام از جمله مهمترین این محکهاست. از این دو نظر وضع حکومت اسلامی برای همه از جمله خود سران حکومت اسلامی روشن است. خاتمی آخرین کارت حکومت اسلامی برای مشروع کردنش بود که مدتها پیش به سطل آشغال روانه شد. احمدی نژاد اخیرترین کارت سرکوب نظام بود که متولد نشده توسط اعتراض مردم تشییع شد. این دو بال نظام اسلامی به نحوی غیر قابل علاجی شکسته اند.

درجه انسجام و وحدت ایدئولوژیک و سیاسی حکومت يك جلوه دیگر از وضعیت نظام است. از این نظر در حکومت اسلامی سگ صاحبش را نمیشناسد: حکومت



است، باندی که بزعم این مقاله با سیاستهای احمقانه اش به "پیاده نظام رژیم صهیونیستی در کشور" تبدیل شده است و همراه با "اشتباهات فاحش" و "شعار زدگی" مقام معظم ولایت فقیه و حمایت بیدریغش از احمدی نژاد و باند مذکور موقعیت حکومت اسلامی در جهان را مفتضح کرده است!

این وضعیت رقت بار ولی فقیه در میان بالاییها، انعکاس مستقیمی از وضعیت نظام در میان مردم است. این شکاف در بالا انعکاش شکاف عظیمتر و عمیقتری میان مردم و حکومت اسلامی است. ولی فقیه را همکیشان دراز کرده اند چون صدای "فاتحه خوانی" مردم برای ولی فقیه را شنیده اند؛ چون دیده اند مردم حضرت آیت الله را به دانشگاه راه ندادند؛ چون طنین "سید علی پینوشه" گوشه‌ایشان را همچنان می آزارد. عمارت اسلامی همراه با ولایت فقیهش ترك برداشته است چون زمین زیر پایش را مردم لرزانده اند. ولایت عظمای فقیه در میان همکیشان و همکاران و هم جرمهایش تحقیر میشود چون حکومت اسلامی همراه با رئیسش توسط مردم به مصاد کشیده شده است. زمزمه عبور از ولی فقیه با قصد حفظ حکومت اسلامی در میان بالاییها شروع شده است چون مردم با صدای بلند عبور از روی کل نظام اسلامی را در دستور گذاشته اند. اما تناقض در اینجا است که این ترفندهای سیاسی درون حکومتی از یکطرف محصول تعرض به حکومت اسلامی است و از طرف دیگر مسیر به زیر کشیدن این حکومت را صافتر میکند.*

ریشخند مردم است. نه در میان "مومنان دنیای اسلام" کسی به فتوای حضرت فقیه تهر خرد کرد و نه در میان مردم ایران کسی خواست به درخواست "سید علی پینوشه" به صف شهادی بدر و احد پیوندند! به این ترتیب ته کاسه فتوای علی خامنه ای فقط علی ماند و حوضش. از نقطه نظر مردم ایران، ایشان خودش در راس تروریسم اسلامی است که يك طرف تقابل تروریستی جهانی است. ولی فقیه و حکومت اسلامی اش يك پای مسئله فلسطین و شريك جرم است. مردم میدانند که خود طرف به همراه حماس و جهاد اسلامی يك پای قربانی کردن مردم فلسطین است. مردم میدانند این فتوا فراخوانی برای نجات مردم فلسطین از دست جنایتکاران دولت نژادپرست اسرائیل نیست بلکه فراخوانی ایدئولوژیک برای های جک کردن مسئله فلسطین به نفع جنبش اسلامی و حکومت اسلامی در حال احتضار است.

به فتوای "رهبر معظم" ضد انقلاب اسلامی، حتی در میان محافل خود این ضد انقلاب هم کسی توجه نکرد. نه تنها این بلکه رهبر را به بهانه این کار شماتت کردند. مقاله ای در سایت قالیباف، یکی از جانبیان قدیمی حکومت اسلامی که به خاطر آینده تیره حکومت اسلامی فعلاً در باب خمینی به عنوان "اولین اصولگرایی اصلاح طلب" موعظه میکند به خوبی موقعیت مضحك ولی فقیه را نشان میدهد. ولی فقیه یعنی همان مظهر وحدت و انسجام و اقتدار نظام، در این مقاله صاف و ساده کسی خطاب میشود که مشغول رتق و فتق باند خودش، "خط جدید نفاق"

از صفحه ۱ دانشگاه شیراز، عرصه مبارزه...

جلسات گفتگو با حمید تقوایی

در چت روم های پلتاک و اینسپیک

گفتار این هفته:

"سید علی پینوشه" و

بحرانهای لاعلاج جمهوری اسلامی!

آیا جمهوری اسلامی میتواند با عبور از "رهبر" بقای خود را حفظ کند؟

زمان: جمعه ۲۷ دیماه ۱۳۸۷، ۱۶ ژانویه ۲۰۰۹، ساعت ۱۰ و نیم شب بوقت ایران،

۸ شب بوقت اروپای مرکزی، ۲ بعد از ظهر بوقت شرق آمریکا

مکان: اطاق ایران - با حمید تقوایی دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری

پیروزی بر جمهوری اسلامی امیدوار بود. برای از کار انداختن يك حکومت به حزب نیاز داریم حزبی که می داند چه کار باید بکند، تجربه دارد و خود را در معرض انتخاب جامعه قرار داده است. پیوستن به حزب و سازمان جوانان کمونیست شرط ابتدایی برای پیروزی در مبارزات است. که این خود به معنی پیش بردن سیاست های حزب است. اتحاد و انسجام در مبارزات، دست مبارزات جاری در جامعه را در دست یکدیگر گذاشتن، خط و افق سوسیالیستی دادن به مبارزات و رهبری کردن مبارزات برای رسیدن به هدف کاری است که از حزب ساخته است، حزبی که چنین تصمیمی گرفته و دارد عملی می کند.

در این صورت است که مبارزات و اعتراضات گسترده عملی می شود. در این صورت است که خط و سیاست های سازشکارانه به کناری پرتاب می شوند و خط رهبری کننده حزب و سوسیالیستی بر مبارزات غالب می شود و صف قدرتمندی در مقابل حکومت و اوباشش شکل می گیرد. در چند جمله اگر خلاصه کنم: اعتراضات گسترده، رادیکال و پیگیر و بی کم و کاست با افق سوسیالیسم می تواند پیروزی را تا حدود زیادی تضمین کند که این خود مستلزم کار حزبی و پیوستن دانشجویان و فعالین دانشجویی به حزب و به سازمان جوانان کمونیست است.*

جایگاه حزب کمونیست کارگری را که خود از فاکتورهای اصلی پیدایش چنین وضعیتی ست را نیز در این شرایط باید ضرب کنیم. در شرایطی که حزبی با این درجه از آمادگی و حضور قدرتمند در جامعه وجود دارد و حزب و سوسیالیسم با آن تداعی می شود، حزبی که به سیاست هایش که نگاه می کنیم با همه وجود برای قدرت گیری خیز برداشته است، در چنین شرایطی وحشت رژیم از حزب و سرنگونی طلبی طبیعی ست.

انترناسیونال: پیروزی دانشجویان دانشگاه شیراز در گرو چیست؟ برای پیروز شدن در مقابل جمهوری اسلامی چه کارها میتوان کرد؟

نوید مینائی: پیروزی بر جمهوری اسلامی در دانشگاه تعریف مشخصی دارد. آزادی دانشجویان زندانی، برچیده شدن بساط کمیته های انضباطی و حراست و بسیج و سایر ابزارهای سرکوب و برچیده شدن آبارتاید جنسی و تبدیل دانشگاه به مکانی امن برای تحصیل با آزادی بی قید و شرط بیان و اندیشه و نقد. این قطعاً بخشی از مطالبات دانشجویان است که در صورت برآورده شدن اعتراضات دانشجویان اشکال پیشرفته تری به خود خواهد گرفت. برای رسیدن به چنین موقعیتی امروز کار متشکل و سازمان یافته با افق سوسیالیستی و آزادیخواهانه و برابری طلبانه پیش شرط اصلی است. نمی شود بدون کار و مبارزه حزبی و سازمان یافته برای

سوسیالیست ها هستند و این نشان می دهد چپ و سرنگونی طلبی سوسیالیستی آنچنان قوی است که خود را به راست تحمیل کرده و میدان را رسماً و علناً از آنها گرفته است.

انترناسیونال: حکومت اسلامی به همه چیز متوسل میشود تا اعتراضات دانشجویان دانشگاه شیراز را سرکوب کند. ترس حکومت اسلامی از چیست؟

نوید مینائی: سرنگونی طلبی بی کم و کاست اعتراضات دانشجویان و قدرت گیری چپ و سوسیالیسم که بالاتر به آن اشاره کردم دلیل اصلی وحشت حکومت است. سال گذشته چپ با پرچم سرخ آمد و تجمعات خود را برگزار کرد. دانشجویان چپ با پلاکارد های سرخ و سوسیالیستی به میدان آمدند و طوری شد که خبرگزاری های بزرگ خارجی هم تیتراژند تظاهرات مارکسیست ها در تهران. ولی تلاشهای سرکوبگرانه حکومت نه تنها باعث کاهش اعتراضات دانشجویان نشد بلکه از همان موقع بر شدت اعتراضات دانشجویان افزود. ظواهر امر چنین بود که اعتراضات دانشجویان حول مسائل صنفی می چرخد با این حال حکومت از هیچ وحشیگری ای برای سرکوب دانشجویان مضایقه نکرد. اتفاقی که در روز دانشجو افتاد و حکومت را و کلاً راست را شوکه کرد حضور پر قدرت چپ در سطح توده ای و وسیع با شعارهای کاملاً سرنگونی طلبانه و سوسیالیستی بود. نقش و

را به امری اجتماعی تبدیل کند و حمایت زیادی برای دانشجویان جلب کند. در حال حاضر ۱۲ نفر از دانشجویان دستگیر شده و ۷ نفر از آنان همچنان در زندان هستند و ۵ نفرشان به قید وثیقه های سنگین آزاد شده اند. طبق تجربه وثیقه ابزاریست برای فشار بیشتر به دانشجو.

انترناسیونال: مطالبات اصلی دانشجویان در حال حاضر چه هستند؟ و مشخصه اصلی مبارزه کنونی این دانشجویان چیست؟

نوید مینائی: در حال حاضر دانشجویان شیراز خواهان آزادی دوستانشان هستند و در این راه خواهان حمایت های هرچه گسترده تر هستند. دانشجویان با همان مطالباتی که اعتراضات روز دانشجو را برگزار کردند با همان خط و جهت خواهان آزادی دوستانشان هستند. خواهان برچیده شدن کمیته های انضباطی و حراست و بسیج هستند و آگاه هستند که این نهاد ها هستند که بازو های اصلی حکومت برای سرکوب دانشجویان هستند. دانشجویان همچنین خواهان لغو احکام کمیته های انضباطی مبنی بر محرومیت از تحصیل دوستانشان هستند.

چیزی که مبارزه این دوره دانشجویان را از دوره های قبل جدا می کند دوز بالای سرنگونی طلبی اعتراضات دانشجویان است. شعارهایی که بالاتر به آنها اشاره کردم مستقیماً دارند ریشه نظام و اصلی ترین فاکتورها و اشخاص کلیدی حکومت که حیات امروز حکومت به آنها بند است را می زند. احمدی نژاد و خامنه ای مستقیماً مورد حمله دانشجویان قرار گرفته اند و تمام مرض و دردی که حکومت و اوباشش را به خودشان می پیچاند و حجت از همین است.

یکی دیگر از مشخصه های روز دانشجوی امسال وضعیت آلترناتیوهای راست مثل انجمن اسلامی و تحکیم و به اصطلاح لیبرال ها بود که برای اینکه از طرف دانشجویان دفع نشوند مجبور شدند حتی شعارهایی مثل "برابری زن و مرد" بر بنرهاشان دیده بنویسند، شعارهایی که اساساً متعلق به چپ و

ابلاغیه رعایت قوانین اسلامی معذرت خواهی کند، و هر جلسه سخنرانی مسئولین ریز و درشت حکومتی را به صحنه اعتراض به جمهوری اسلامی تبدیل کردند. لاریجانی رئیس مجلس را سکه يك پول کردند، اعلام کردند مجلس و حکومت کلاً مشروعیتی ندارد، اعلام کردند گرانی و فقر زائیده سیاست های حکومت است و این زندگی شایسته انسان نیست. با این مقدمه و فضای سیاسی، دانشگاه شیراز به استقبال روز دانشجو رفت و مثل جاهای دیگر شعار های امسال اساساً سرنگونی طلبانه و ضد حکومتی بود. "مرگ بر دیکتاتور" و "خامنه ای پینوشه ایران شیلی نمی شه" از جمله شعارهای دانشجویان بود. در تریبون آزاد این دانشگاه که به مناسبت روز دانشجو برگزار شد شخص خامنه ای و حکومت اسلامی مورد شدید ترین اعتراضات و انتقادات قرار گرفتند.

در مقابل، اوباش بسیجی برای مقابله با این فضای اعتراضی و به شدت سرنگونی طلبانه به خط شدند. در مراسم های مذهبی شان اعلام کردند یا حکومت دانشجویان را سرکوب می کند و یا خودشان راساً به سرکوب و برخورد با دانشجویان اقدام می کنند. بلافاصله دستگیری ها و احضار به کمیته انضباطی شروع شد در فاصله کمی ده ها دانشجو از تحصیل محروم شده و ده نفر به اداره اطلاعات شیراز احضار شدند. ابتدا ۴ نفر از دانشجویان دستگیر شدند و این خود متقابلاً باعث تند تر شدن اعتراضات دانشجویان شد. تجمعات و اعتراضات دانشجویان هر دم تند تر و رادیکال تر می شد، یکی از اجتماعات دانشجویان به بیرون دانشگاه کشیده شد و شعار "مرگ بر دیکتاتور" و "محمود احمدی نژاد عامل تبعیض و فساد" به خیابان کشیده شد که با استقبال مردم مواجه شد. دانشجویان در چندین نوبت به بازداشت دوستانشان اعتراض کردند. در این فضا باید به نقشی که کانال جدید در این اعتراضات داشته است نیز اشاره کرد. کانال جدید با چندین برنامه زنده در حمایت از دانشجویان شیراز توانسته است فضای شهر شیراز را در حمایت از دانشجویان تا حدود زیادی بر بیانگیزد و این مسئله

صدای مردم در کانال جدید

قطع یارانه ها و انجماد دستمزدها جنایت است برنامه ای از شهلا دانشفر

سلام خانم دانشفر. بنظر مردم باید این طرح را سنگ قبر خامنه ای و دولت اسلامیش بکنند و الا این طرح و پروژه سنگ فقر خود ما میشود. من از تمام کارگران و مردم دعوت میکنم که به حزب بپیوندند و به این حرکتها بپیوندند و از حق دفاع بکنند.

کارگری از ایران

من بسیار مخالف این طرح یارانه ها هستم. کارگری هستم با حقوق دویست و پنجاه هزار تومان و با این حقوق کم زندگی کردن بسیار مشکل است. بنده برچی صد و پنجاه هزار تومان کرایه میدم و صد هزار تومان قسط میدم و برچی ده هزار تومان در خانه برایمان نیمهاند! حالا چه جوری زندگی کنیم؟

کارگری از ایران

سلام خانم دانشفر. خسته نباشید از برنامه های خوبتان. تنها نفسی که برای ما مانده همین نفسی است که از برنامه های شما میشنوم و خیلی خوشحال میشوم که بتوانیم بطور مستقیم با شما صحبت بکنیم. ما هر شب برنامه های شما را نگاه میکنیم و با این دولتی که سی سال است ملت را میچاپد و حق این مردم را پایمال میکند و دیگر چیزی برای ما باقی نمانده است و حالا دیگر کارمان بجایی رسیده است که دیگر با رایانه و افزایش دستمزد در ایران نمیشود هیچ کاری کرد بلکه فقط باید کاسه کوزه اینها جمع شود و بروند و باید از این ملت خجالت بکشند که اینقدر بلا سر این مردم میاورند. تا اینجا اینها را تحمل کرده ایم و حالا کارشان بجایی رسیده که دانشجویان ما را میگیرند و زندانی میکنند. اینها در دانشگاه و در هیچ کجا آبرویی ندارند و در جهان هم که تروریست شناخته شده اند و هرچه بوجه بوده به تروریستهای لبنان و حماس و غیره داده اند و خود آخوندها هم برای خودشان و آینده شان میلیاردها جمع کرده اند و دیگر چیزی برای مردم نگذاشته اند! اینها

اگر فردا دستمزدها را هم بالا ببرند بلاهای دیگری را سر کارگران میاورند. ما هر روز در خفقان هستیم و هر روز هم بدتر میشود! آقای احمدی نژاد روزهای اول گفت من خادم ملت هستم و بزودی یارانه های بنزین را قطع کرد و یارانه های دیگر هم قطع شدند و این دولت طبعاً باید همینجوری بفکر ملتش باشد. هر کسی هم که صدایش دربیاید میافتند به جانش و خلاصه مزدورانش همه جا هستند. بوجه هم که به صفر رسیده و قبلاً که پول نفت بالا رفته بود میگفتند فلان میکنیم و الان هم که پول نفت پایین آمده و اصلاً نفتی هم نمانده دیگر کارشان تمام است. از مردمی که آزادیخواه و سوسیالیست هستند خواهش میکنم که دست بدست این حزب دهند و با رهبری کانال جدید و حزب کمونیست کارگری که حرف دل مردم را میزند و در قلب تک تک آزادیخواهان و سوسیالیستها بطور مسلم جا گرفته و برنامه های خیلی روشن دارد متحد شویم و کار این رژیم را تمام کنیم. ما اگر این کانال را نداشتیم و اگر به این کانال کمک نمی کردیم دیگر امید ما و همه چیز ما از دست میرود. بنابراین آنهایی که دوست دارند که این مملکت را که بدست این آخوندهای کثیف افتاده نجاتش دهیم به این حزب بپیوندند و مملکتی با آزادی و رفاه و برابری و شادی برقرار کنیم و با آسایش زندگی کنیم.

کارگری از ایران

باید برخیزیم کین دولت ظلم و ستم خونخوار است - دل این ملت رنج دیده از این بیزار است. نه ترحیم زمان و نه غمخوار زمین بینیم - ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کار است - نه امیدی به حال و صبح فردا مانده - رای دل مردم ایران ز درد آکنده - دست بسته و جان خسته در این کوچه بن بست - رعب و وحشت نمود هر دیده بیدار است - فریاد بلندم ز کشتار شکنجه - علیه دیکتاتوری اسلامی جبار است - کشتار و ترور هستی ما را فنا کرده - ویرانی هستی به هر گوشه روا گشته - کشور ایران شده زندان همه - تا این قاضی داور بر سر کار است - دل این ملت ما هم شده خون - اینهم از توطئه خفاش است - هرچه سرمایه اسلامی بازار

خوش باشد - طالع ظلم و ستم و کشتار هموار است - برخیزید تا بکنیم ریشه جمهوری اسلامی را - آزادی و برابری و سوسیالیسم چاره این کار است - برخیز و براین حکام اسلام وقاحت را - در این دهر کارگر و کارمند و دانشجوی مبارز بسیار است.

مردی از ایران

الو سلام. خانم دانشفر میخواستم در مورد دستمزدها بگم که چیزی در این مملکت باقی نمانده که بخواهند دستمزد کارگر را زیاد کنند و ما نباید این توقعات را از اینها داشته باشیم چونکه اینها برای راحتی ما نیامده اند. اینها به ثروت این مملکت چشم دوخته اند و هدفشان فقط این است که ما را بزانو درآورند و الان هم از بس خورده اند دیگه چیزی نمانده که برای مردم خرج کنند! و ما هم هی داریم به بدبختی و فلاکت میرسیم. مردم نباید بترسند و باید متحد شوند و گر نه نمیشود کاری کرد و اینها هیچ کار مثبتی نکرده اند و نخواهند کرد و ما نباید به امید افزایش دستمزد بنشینیم که اصلاً نمیکند.

زنی از ایران

چرا باید به کانال جدید کمک مالی کرد برنامه ای از کیوان جاوید

سلام آقا کیوان. من میخواوم کمک مالی کنم برای اینکه برنامه های شما را دوست داریم و برای آزادی مردم ایران.

جوانی از ایران

سلام آقا کیوان. من در زمان مصدق يك دانش آموز بودم از آنزمان فهمیدم ملاچی هست و دین چی هست و بدبخت کی هست! پدرم با پیشه وری و غلام یحیی همکار بود. ملاها نتوانستند به ذهن من اثر بگذارند و ذهن من از همان اول علیه ملاها شستشو شده و من عاشق حزب کمونیست کارگری هستم. من از پسر و از دوست و آشنا میپرسم چطوری این کانال را بگیرم و حرف بزنم و گاه اشک میریزم و دلم میخواد صحبت کنم. هوسر من دکتر بود و خودم تکنسین آزمایشگاه بودم و دو هزار و شصت تومان بمن میدادند. من از حقوقم میتوانم کمی کمک کنم. من يك خیاط ماهری هستم و

با شروع انقلاب آخوندی از سراسر ایران زنهار برای یاد گرفتن خیاطی میامدند پیش من و من خودم درآمد داشتم و نخواستم که به ملاها دست دراز کنم تا با سلام صلوات دستم را بگیرند و از زمین بلندم کنند! من الان مریض و نا امیدم و میخواوم به امید شما کاری انجام بدم. (با گریه - من میخواوم زنده بمونم). تلفن مرا یادداشت کنید میخواوم کمک مالی کنم.

زنی از ایران

من به شما و هماران کانال جدید سلام میرسانم و تشکر میکنم ولی چیزی ندارم که کمک مالی کنم. مردی از سقر

سلام آقا کیوان. هر کسی که مثلاً دویست هزار تومان حقوق میگیرد میتواند کمک مالی کوچکی بکند و اینها را جمع بکنند و از طریق درستی بدست شما برسانند. ما هیچوقت در تلویزیون جمهوری اسلامی برنامه زنده نداریم و ما از آن تلویزیون نمیتوانیم حرف بزنیم بلکه درد دلمان را میاییم با کانالهایی مثل شما مطرح میکنیم. وقتی که امید دانشجو به این کانال های خارج کشور است و از مبارزه دانشجو حمایت میشود باید به این کانال کمک مالی کرد. چرا تا بحال نتوانسته اند فرزند کمانگر را اعدام کنند؟ چونکه این کانالها در خارج کشور اطلاع رسانی میکنند و یا مبارزانی مثل اسانلو در زندان اذیت میشوند ولی نتوانسته اند اعدامش کنند. بخاطر سی سال عقب ماندگی که اینها با اسم حسین و اسلام به مردم تحمیل کرده اند باید کمک مالی کنیم.

زنی از خوزستان

سلام آقا کیوان. ما خودمان صندوقی گذاشتیم و به آشنایان و فامیل مراجعه میکنیم و با توجه به حسنی که این کمک مالی جمع کردن دارد این است که زمانی که بطور جدی از مردم درخواست کمک میکنیم در همه شان یکنوع خجالت زدگی را میبینیم که فکر میکنند که مثلاً از سیصد هزار تومان حقوق چه کمکی میتوانند بکنند و میبینیم ۵۰ هزار تومان کمک میکنند. بنظرم نباید خجالت کشید و میتوان باندازه توان کمک مالی کرد منتها اینها را جمع کرد و یکجا فرستاد و گر نه

جمهوری اسلامی و مزدورانشان باید خجالت بکشند که این وضعیت را به مردم تحمیل کرده اند. ما با همین نداری که تحمیلان شده با قوت قلب هرچقدر جزئی هم کمک مالی کنیم مهم است. با جمع شدن همین کمک های کوچک در يك صندوق مقدار توجهی میشود و نقش مهمی ایفا میکند.

مردی از ایران

سلام آقا کیوان. همانطوری که شما هم میدانید در تاریخ خیلی از مردم برای رهایی از ستم حتی از جان خودشان هم مایه گذاشته اند آنهم بدون هیچ چشمداشتی و فقط برای ارضای حس انسانی خودشان که تمام آرزویشان بهروزی و خوشبختی مردم بوده. در همان انقلاب ۵۷، جوانان بسیاری جان خودشان را در دست گرفتند و برای راه آزادی و انسانیت جلوی جوخه های آتش سرمایه داران رفتند. آیا عزیزتر از جان هم چیزی هست آنهم در این زندگی که یکبار فرصت داریم. آنان که جان خود را فدا کردند عاشقان بهبود زندگی دیگران بودند و حالا ما وارث آنها هستیم و باید به کمک کانال جدید بشتابیم چراکه گردانندگان این کانال با کمال خلوص علیرغم همه کاستیها پرچمدار رهایی از نابرابریها و ظلم و جور و اعدام و سنگسار و قصاص هستند و ما باید این کانال را سرپا نگهداریم. آیا تباحال این مردم دیده اند که حزبی خواهان آزادی بی قید و شرط انسانها شود؟ وظیفه هر انسان منصف و عدالتخواه، متممن و آزادیخواه است که این کانال را زنده نگه دارد. تا این حزب و این کانال بتواند به راه انسانی خودش ادامه دهد و مردم با این کمکها آزادیخواهان را خوشحال کنند.

مردی از ایران

سلام کیوان جان با این کانال واقعا دل جوانها را شاد کرده اید. من میخواستم کمک مالی کنم لطفاً گوشی را بردارید که شماره ام را به شما بگویم.

جوانی از ایران

جراحی اقتصادی رژیم جواش سرنگونی است برنامه ای از کاظم نیکخواه

سلام آقای نیکخواه. آقای احمدی نژاد

از صفحه ۴ صدای مردم در کانال جدید...

با شعار انرژی هسته ای آمدند سر کار و اینرا کردند توی ذهن جوانان خام و يك خورده قول و وعده ها داده شد كه ميایند و به جوانان حقوق ماهیانه میدهند، ولی زمانی كه سر كار آمدند قیمتها دو برابر شد بطوری كه نه کسی میتونه هزینه مسكن بدهد و نه حریف این گرانی میتونه بشه و واقعا زندگی در این شرایط برای جوانان خیلی سخت شده، و بنظر من راهکاری كه باید ارائه بشه باید از طرف خود مردم ایران باشه. ببینید هر کسی كه جهنم درست كنه خودش در آن جهنم زندگی ميكند و برعكس آنهایی كه در آمریکا برای خودشان بهشت درست کرده اند خودشان این زندگی را ساخته اند، حالا مردم ایران خودشان دوست دارند كه در جهنم زندگی كنند، چرا؟ من نمیدونم! و برمیگردم به سیاست آخوندها كه همه جوانان را معتاد کرده و يكسری وابستگیها براشون بوجود آورده! من نمیخواهم در چنین وضعی زندگی بكنم ولی آخوندها كاری کرده اند كه در این وسط يك سری آدم بی وجود و بی ارزش باشد تا جامعه همینجور بمونه. ببینید وقتی خمینی سر كار اومد و جوانانی كه علیش شعاع دادند من بجاتر میگم كه آنها واقعا مرد بودند، الان دو نفر مثل آنها پیدا نمیشه و سی سال است كه داره به كار خودش ادامه میده ولی کسی نیست كه توی ذهن اینها بزنه. من كه میرم توی خیابان هیچ جا امنیت نمیبینم و چندین بار جلوی مرا میگيرند و حرفهای مختلفی هم ميزنند! كه ماتوی تو فلان جوره و لباس بهمان طوره! آنهم يك خانم در جلوی هزار تا آقا! و خیلی موارد است كه الان ديگه مشهوده و نمیخواهم بگم! در بین بگیر بگیریهای داخلی خود رژیم میبینیم كه در این وسط از خانمها خیلی سوء استفاده ميكند! من مطمئنم مثل رژیم صدام همه اینها رو میشه و امیدوارم كه این رژیم سرنگون بشه.

زن جوانی از ایران

سلام آقای نیکخواه، این رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی از يك مشت دزد تشكيل شده از اون خامنه ای و پسرانش گرفته تا بقیه سران رژیم و این موضوع اثبات شده هست و همه هم میدانند و پالیزدار همه را افشا كرد و الان مردم میدانند كه يك رژیم دزد آن بالا نشسته و برای اینکه

به دزدبهاش بتونه ادامه بده مجبور است كه جنایت هم بكند و اینكار را هم هر روز انجام میده، دستگیر ميكند، زندان ميكند، شکنجه ميكند و اعدام ميكند! خب يك رژیم دزد باید این كارها را بكند و دارد اینكار را هم ميكند، لذا تنها راه رهایی اینه كه این رژیم را بكشیم پایین و سرنگونش كنیم. آقایی هم كه از فرهنگ و كورش صحبت ميكرد میخواهم ببینیم آیا مردم میتونن فرهنگ و كوروش را بگذارند توی سفره خالی شان و غذا بخورند؟! با سفره خالی، مردم فرهنگ و كوروش را میخوان چه كار؟! آن آقای دیگری هم كه میگفت من بی طرفم اصلا اینطور نبود و كاملا جهت داشت، وقتی بشما میگه چرا قایم شدید، بیایید كاندید شوید، پس او جهت دارد! مگر توی جمهوری اسلامی انتخابات آزاد هست كه کسی بیاد كاندید بشه، من نمیدونم اینها چطور رویشان میشه اینحرفها را بزنند و تو مغزشان چی هست! ای مردم ایران، بیایید متحد شوید و تنها حزبی كه آزادی و رفاه را میتونه بیاره فقط حزب كمونیست كارگری است و تنها حزبی هست كه میتونه انقلاب را رهبری كنه. به این حزب پیوندید، این تنها حزبی است كه میتونه در ایران حكومت كند و آزادی را برقرار كند.

مردی از ایران

سلام بشما. آقای نیکخواه اینجا همه زنگ ميزند و میگن كه ما خسته شدیم و چكار كنیم، اما همه هم سرشان را انداخته اند و دارند كار ميكند! مثل اینکه همه در يك زندگی عادی هستند! خودشان هم زنگ ميزند و میگویند چكار كنیم و ما خسته شدیم؟! من دو تا بچه دارم و به ناموسم قسم به جان بچه هام قسم كلیه ام را هم فروختم و حالا دو میلیون و پانصد تومان پول دارم. من حاضرم این پول را به برنامه شما هدیه بدم كه كانال جدید پابرجا بمونه و میخواهم عضو حزب شوم.

مردی از ایران

سلام آقای نیکخواه، چرا این آخوندهائی كه ادعا ميكند با خدا و پیامبر رابطه دارند دزدی ميكند و چپاول ميكند! پیامبر خدا كجا این دستورها را داده بیایند و روضه

بخوانند و مال مردم را بخورید! اینها خون مردم را تو شیشه كرده اند! من جوانی سی و سه ساله ام نه كاری دارم و نه امیدی دارم! اصلا نه فقط من كلا هزاران جوان همه همینطوریم كه نه شغلی و نه كاری! و دستی دستی از بین میریم! اصلا آدم روحانی از دور يك جذابیتی دارد كه با خدا رابطه دارد! ببخشید من نمیتونم بگم از كجا زنگ ميزنم چونكه محیط ما كوچكه! اینها شیطانتند و با قران و جن و پری زبان مردم را مینندند و در كار خدا هم مداخله ميكند! اینها روحانی نیستند اینها ضد بشرند و تروریست و آدمكشند!

جوانی از ایران

سلام آقای نیکخواه، خیلی ممنون از این تریبون و این حزب كه امكانی فراهم كردید كه ما مردم آگاه بشیم. در جواب دوست قبله كه میگفت كاری از دست تان بر نیامید و كاری نمیشه كرد بگویم كه قرار نیست كه كاری بكنید بلكه ما مردم ایران خودمان میخواهیم كار انجام بدیم و قرار نیست كه کسی بیاد و كاری برای ما انجام بده. بنظر من ما يك سر كرده سیاسی و آگاه نیاز داریم كه راهکاری جلوی مردم ایران نشان بده كه بتونیم به آزادی و به حداقل چیزی كه يك انسان احتیاج داره برسیم.

مردی از شیراز

سلام آقای نیکخواه. این طرجهایی كه وارد مجلس میشه و نماینده ها تصویب ميكند واقعا كمر شكندند! واقعا يك كارمند با حقوق دوست و سیصد تومان كه باید كلی هزینه آب و برق و گاز و تلفن و غیره بده چطور دوام بیاره؟ خیلی از كارمندان بیست و دو سه سال سابقه كار دارند ولی متاسفانه هنوز صاحب خانه نیستند. هیچكدام از طرجهای اینها موفق نبوده و من واقعا نمیدانم كه اینها چطور میخواهند مردم را اداره كنند! آیا واقعا آقا یونی كه اون بالا نشسته اند دریافتی خودشان هم دوست و سیصد و چهار صد تومان است یا نه! اگر حقوق آنها بالا است كه بحث آن جاست ولی اگر همین درآمد را دارند آخه با این تورم چه جور میشه زندگی كرد؟ در يك روستایی كه اصلا ارزش زندگی نداشت باید پنجاه هزار تومان كرایه بدی آنوقت وای بحال داخل شهرهای بزرگ! امیدوارم كه عاقلانه فكر كنند اگر بفكر تغییرات اساسی هستند!

مردی از ایران

با اصغر کریمی رئیس هیئت دبیران برنامه ای از اصغر کریمی

سلام آقای کریمی. آقای کریمی تنها راه رهایی مردم ایران بخدا سوسیالیسم است با همان برنامه های يك دنیای بهتر كه شما گفتید و دیگر هیچ راهی نیست نه سلطنت و نه مشروطه و نه مجاهد هیچ!

مردی از ایران

سلام آقای کریمی. در رابطه با غزه آقای کیوان صحبتی داشتند كه نکته ای با او دارم و میخواستم نظر حزب را بپرسم كه آیا مشلا كشوری سوسیالیستی باشد و قدرتی هم دستش باشد و مشروعیت كامل داشته باشه، آیا مجاز است كه حمله بكند به كشور دیگری و بیمارستان و مناطق مسكونی بزند و زندگی مردم را فلج بكند، آیا این كارها قابل توجیه است؟ البته آقای کیوان چنین منظوری نداشت ولی آقایی سوالی كردند و خانمی هم زنگ زدند و مشروعیت حكومتی را مطرح كردند و از این این بحث طوری برداشت شد كه گویا اسرائیل مشروعیت داره و میتونه حمله بكند و هر انسان و حتی هر حیوانی را درب داغون بكند و این كارها را هم بكند! در مورد جنگ منطقه من موافق صلح هستم ولی در نهایت نیروهایی باید از جنس خود شماها بیایند روی كار و يك صلح و صفای دائمی برای مردم برقرار كنند و این بنظر من شدنی است.

مردی از ایران

میخواستم بگم كه این رژیم در تمام تلویزیون هایش مسئله غزه را عمده كرده و مشكلات جامعه و اینهمه جوانان را معتاد كرده و همه را ول كردند و دارند شستشوی مغزی میدهند. متاسفانه خیلی افرادی هستند كه با سیاستهای اینها هستند و البته اینها جیره خواران این دولند، مثل بسیجیها، و بقدری شستشوی مغزی دادند كه اینها دیگر با رژیم رفتند! و اصلا نمیشه با آنها حرف بزنی! نکته دیگر اینکه زبان انگلیسی در ایران خیلی گنگ است و اصلا از دوم راهنمایی كه شروع ميكند فقط گرامر میگویند كه آنهم كلا گنگ است!

مردی از ایران

سلام آقای کریمی درود بر شما و خسته نباشید. مرگ بر هرچی آخوند است و مرگ بر هرچی روحانی است. آقای کریمی داخل ایران بقرآن مجید نه تفریح و سرگرمی و نه شب نشینی و نه حقوقی و نه كاری هیچ چی نیست! و عین يك حیوان با ما برخورد ميكند! و كل ایران اینجوری شده! چرا هیچ حقوقی برای ما جوانان قائل نیستند؟! همه جا بسیج شده! سایه پشت سر ما هم بسیج شده! شما ميكید چاره چیست؟ چاره اینست كه ما شصت و پنج میلیون جوان و مردم یعنی از پس چند میلیون آخوند برنمیایم؟! یعنی هر ده نفر ما از پس يك آخوند برنمیایم؟! بخدا میتونیم همه شون را نابود كنیم. سه سال پیش من را گرفتند به آن خدا قسم اگر میپرستید، يك تیغی به سر من زدند كه از آنموق موهام میریزه! و سرم خارش داره و پیش هر دكتری كه میرم خوب نمیشه! اینها با ما مثل حیوان برخورد ميكند. آقای کریمی همه اینها را باید بكشیم و نابود كنیم و این يك چیز واضع است! اینها در يك روستای كوچك هم زندان درست كرده اند یعنی زندانها را از قبل پیش بینی كرده بودند. من نمیخواهم بگم از كجا زنگ ميزنم ولی میگم همه اش زندان زندان زندان درست كرده اند با گارد و نگهبان.

جوانی از ایران

سلام آقای کریمی، بنظرم دمكراسی همان دیکتاتوری است كه لای زروق پیچیده اندا يكموقع سرمایه دار خواسته هاشو با اسلحه به جامعه تحمیل ميكند و يكموقع هم با پارلمان و بكمك راديو روزنامه و تلویزیون و همان چیزی كه مهندسی افكار عمومی است خواسته هاشون پیش میبرند و رای مردم را بسود خودشان میسازند لذا دمكراسی مربوط میشه به يك حقوقی در كاغذ كه اگر کسی پول نداشته باشه نمیتونه از آن استفاده كنه و دولت دمكرات خودش را مسئول نمیدونه! در مورد اعدام باید بگم كه اعدام راه حل هیچ مسئله ای نیست بلكه اعدام قتل عمد دولتی است و اگر میخواهی اعدام نباشه باید زمینه های اجتماعی و اقتصادی را بزنی، هرچه رفاه بیشتر و امنیت بیشتر و هر چه فقر كمتر اعدام هم كمتر میشه. جمهوری اسلامی كار خودش

از صفحه ۵ صدای مردم در کانال جدید...

را با اعدام شروع کرد چونکه آمده بود برای استثمار کارگر، آمده بود برای تحقیر زن و شکستن حرمت انسانیت، بنابراین به اعدام نیاز داشت و از اعدام استفاده می‌کند برای زدن مخالفانش و برای ایجاد رعب و وحشت، اما با یک نگاه به روز جهانی زن، به روز کارگر و روز جهانی کودک و به روز دانشجو می‌بینیم که تنوع مردم را شکست بده و علتش هم اینست که مردم فهمیده اند که دستگاه قضایی رژیم صلاحیت ندارد بلکه ماشین جنایت است و مینایش ضديت با بشر است. اسلام دینی است که تعدد زوجات را شرعا مجاز میدونه و از طرفی هم اگر زنی رابطه خارج از ازدواج داشته باشه حبس ابد و یا سنگسار برایش می‌سپارند! در مورد تظاهراتی که دانشجویان داشتند می‌خواستم از تمام کسانی که صحبت کردند تشکر کنم و بگم که حرفهایشان مطمئنا موثر بوده و حکومت میدونه که وقتی کسی حرفی میزنه زمانی هم که موقعتش پیش بیاد آنوقت عملی هم می‌کنه. خیلی ممنون اصغر کریمی.

جوانی از ایران

سلام آقای کریمی. می‌خوام جواب این آقایی را بدم که میگن از آنطرف دنیا شما دارید برای مردم تعیین تکلیف میکنید! آقای خمینی هم پانزده سال تبعید بود و بعدا پیامش را به ملت داد. دوم اینکه روزی بشه که از هر درختی صد تا آخوند آویزان کنند! انشالله مردم دارند پیروز میشن و همه به این شبکه وابسته شده اند. میگن در ایران آزادی هست! اگر هست پس چرا مردم نمیتونن آزاد زندگی کنند؟! چرا تو توی اناتق ماهواره گذاشته ای و سخنان آقای کریمی را گوش میدی اما میایی ماهواره منو بر میداری و میبری! پس آزادی برای کسانی است که لباس این رژیم را پوشیدند! برای ملت عادی آزادی نیست! آقای کریمی فرمودید در مورد جنگ هم صحبت کنیم. این جنگها چه فلسطین باشه و چه عراق باشه و چه حماس باشه تمام کشورهایی که جنگ در آنجا هست جمهوری اسلامی دست دارد و حتی بمب گذاریهای عراق را خود اینها میگویند که ایرانیهایی که میروند کربلا انجام میدهند! امیدوارم زمانی برسد که از هر درختی صد آخوند آویزان کنیم. دیگر بس مان است و

ما آزادی نداریم. همه اینها مامورند و دروغ میگویند آزادی نداریم! آقای کریمی مسیر من زایل - زاهدان است، خدا میداند که این افغانیهای بدبخت وقتی از آنور مرز میایند اینجا جلویشان را میگیرند و بعد هم از اینها دویست هزار و سیصد هزار تومان میگیرند و بعد هم از این شهر به آن شهر هم صد یا پنجاه هزار تومان میگیرند و بعد اینها را ولشان میکنند! اگر تو ماموری و مرزبانی خارجی! گرفته ای چرا میگذاری از مرز رد بشه! و اگر ردش میکنی دیگر چرا اذیتش میکنی! کمیته ای ها ساعتی اینها را و پولهایشان را هم میگرد. امیدوارم یک افغانی صدای منو بشنود و این حرفهای منو تایید کند.

کارگری از ایران

حکومت فاسد و جنایت علیه مهاجرین افغانستان برنامه ای از رضا مرادی

سلام آقا رضا، چند وقت پیش یک افغانی را گرفته بودند که این بنده خدا مریض داشت، خانمش را برده بود بیمارستان و موقع برگشتن او را میگیرند. او بچه هاشو گذاشته بود توی خونه اما هرقدر به مامورین میگفت که بچه هام توی خونه تنها هستند و زنم هم در بیمارستان است و لش نکردند و برند به اردوگاه و خانمش هم دو روز بعد که آمد به خانه دید که بچه اش مرده! هیچکس نتونست اعتراضی بکنه و تازه خانمش را هم گرفتند یکجوری پیچاندند که معلوم نشد کی به کیه! شغل من مقنی گری است و سختترین شغل است و تو چاه صد و پنجاه متر میرم پایین و سه سال است دیسک کمر گرفته ام و نمیدونم چکار کنم. نخیر با وجود این رژیم شکلات ما حل نخواهد شد.

مردی افغانی از ایران

الو سلام. من افغانی هستم و ۲۲ ساله ام. ما توی شهر هم که راه بریم میزنند توی سرمان. همین ماه منو سه بار گرفتند و بردند به اردوگاه و آنجا هم مثل حیوان با ما رفتار میکنند، مثلا سربازان پوتینهایشان را داخل تشت می‌شورند و بعد غذای ما را در داخل همان تشت می‌آورند که بخوریم! این چه رژیمیه! چه

اسلامیه! چه قانونیه! یک کافر با یک مسلمون این برخوردها را نمیکند که اینها که اسلامیند با ما میکنند! آیا این آخونها مریضند! چینه! چرا این برخورد را با ما میکنند! اسلامی که نشد این! امیدوارم مردم ایران که در اروپا هستند اینها را به جهانیان بگویند که بما چی میگذره!

جوان افغانی از ایران

سلام آقا مرادی، لعنت به هر چی آخونده! لعنت به هر چی رژیمیه! لعنت بر پاسدار و لعنت بر کله سفیدهای رژیم! جوانها را داغون کردند و حالی برای کسی نگذاشتند! اینها گریه صورت و گفتار صورتند! اصلا یکی شان شکل آدمیزاد نیست! کسی که با خدا در ارتباط باشه نورانیه! این داغ ننگ بر پیشانی اینهاست! آدمها بچه های شانزده ساله شان را که معتادند اطمینان میکنند میفرستند پیش اینها تا ترک کنند اما این بچه ها را میفرستند زندان و بعد از مدتی بیرون که میان فاحشه میشن!

جوان افغانی

سلام. من دختر افغانی هستم و بیست و شش سال است اینجا زندگی میکنم ولی هیچ حق و حقوقی و کارت شناسایی و مدرکی نداریم! داداش کوچکم همه اش اشک میریزه و از سوم دبستان نگذاشتند که بیشتر ادامه بده! و کارت مان را گرفتند و پاره کردند و همیشه اینکار را میکنند! داداش هجده ساله ام را به لب مرز فرستادند و مامانم کلی گریه میکرد که آخه ما هیچکسی را آنجا نداریم. در این بیست و شش سال هیچکسی را اینجا نمیشناسیم! من الان نمیتونم برم دانشگاه! اصلا به افغانیها گواهینامه نمیدن! من نمیتونم مانتو شلوار بپوشم برم بیرون میگن که تو افغانی هستی و نمیتونی مثل دختر ایرانی بگردد، میگن چرا اصلا آمدی اینجا زندگی میکنی! به خواهر کوچکم میگن چند سالت؟ میگه چهارده سالم، میگن خب باید بری ازدواج بکنی بری خونه بشینی، یعنی چه که اومدی بیرون!

دختر افغانی

سلام آقای مرادی. مرسی از این شبکه تان که برادران ایرانی همچین خدمتی دارن میکنن. مردم ایران بویژه اهل تشیع مردم خوبی هستند ولی یک نارضایتی من از مردم ایران

دارم که یک مسجد از مردم اهل تسنن خود ایران ندارند. میریم سر کار یک ماه دو ماه سه ماه ولی برای گرفتن پولمان میبینیم که صاحبکار ایرانی پولمان را نمیده! و دولت هم کاری با آنها نداره! اصلا حق افغانی در ایران معنی نداره! بی ارزش ترین کس افغانیه! شبکه شما موثر است و واقعا از شما تشکر داریم.

مردی افغانی در ایران

سلام خسته نباشید. درسته که زنگ زدن ما بیهوده است اما خواستم بگم که ما اینجا بی ارزشیم! ولی خب چاره نداریم و سی سال است که اینجا زندگی میکنیم ولی مدرکی هم نداریم! خیلی ممنون.

زنی افغانی در ایران

الو سلام. من خودم ایرانی هستم ولی شوهرم افغانیه. چهار تا بچه دارم که اینجا بدنیا آمدند ولی اصلا بچه های ما را مدرسه نمیگذارند! شناسنامه نمیدن! نمیدونم بخاطر چی!

زن ایرانی با شوهر افغانی

سلام. بعضی از جمعیتهای دفاع از حقوق کودکان در ایران هستند بطور غیر رسمی به فرزندان افغانی درس یاد میدهند ولی ماموران رژیم حتی از اینها هم جلو گیری میکنند! برای تمديد اقامت از هر افغانی پانصد هزار تومان پول میگیرند! آقایی هم که گفتند افغانی میلیاردر شده با عقل جور در نیامد!

مرد ایرانی

حکومت مذهبی نمیخواهیم برنامه ای از کیوان جاوید

سلام آقای کیوان. قبل از این برنامه شما ما داشتیم برنامه آقای حمید تقوایی را میدیدیم و ایشان چقدر زیبا کمونیسم را تشریح کردند و چقدر تصویر واقعی از کمونیسم دادند! ما می‌خواهیم که این برنامه ها جهت شناخت کمونیسم بطور پیوسته ادامه داشته باشه. کسانی که فکر میکنند کمونیسم با مذهب سر جنگ دارد یعنی با عقاید شخصی مردم، ولی اگر این برنامه ها برای روشن کردن مردم تداوم داشته باشه بهتر اثر میگذارد. ما سی سال است که حکومت مذهبی را تجربه کردیم و همه چیز را از ما گرفت! واقعا چه تعدادی هستند که طرفدار این حکومتند؟! طرفداران حکومت فقط یک دسته هستند که مزدوران رژیمند و ارتزاق

میکند. نه توی محل زندگی و نه محل کارمون کسی را نمیبینیم که طرفدار رژیم باشه! یعنی کسی که بیاد علنا بگه که من طرفدار رژیم هستم ما نمیبینیم. ببینید خامنه ای با آن سخنرانیش در علم و صنعت چه افتضاحی ببار آورد! هشتاد درصد آدمهای آن سخنرانی آدمهایی چهل یا پنجاه ساله به اسم دانشجو بودند! یکپخته قبل از شانزده آذر چه تدابیر امنیتی بکار بردند تا توانستند یکعه آدم را بنام دانشجو آنجا جمع بکنند! ما وظیفه داریم این رژیم را افشا کنیم که فقط با زور سرنیزه و خفان دارد حکومت میکند. این رژیم رفتنی است. در محیط کار ما هرجا بحثی میشه همه از این رژیم ناراضی اند و الان در دنیا بجز سوسیالیسم هیچ آلترناتیو دیگری وجود ندارد و در هر جای دنیای سرمایه داری همین مشکلات منتها بشکل دیگر هستند، اینجا در قالب حکومت مذهبی و در آنجاها هم در قالب دموکراسی و سرمایه داری بزرگ. تنها راه‌هایی این ملت و بشر فقط سوسیالیسم است و چیزی دیگری وجود ندارد. در محیط کار ما اغلب همین نظر را دارند حالا بعضیها بخاطر تصویر غلطی که از کمونیسم داده شده کمی متفاوتند و ما برایشان می‌گیریم که کمونیستها همان کسانی هستند که در انقلاب مبارزه کردند و کشته شدند و ما با این کارمان تصویر غلطی را که جمهوری اسلامی داده پاک میکنیم و خودمان هم سعی میکنیم که توی برخوردها برای مردم الگو باشیم و در مناسبات کثیف جامعه غرق نشیم و مثل انسان سالم زندگی کنیم و مردم خودشان قضاوت خواهند کرد و فرق بین کمونیستها و رژیمها را خواهند فهمید. خیلیها میگویند رژیم پایه اش را سفت کرده و به این سادگی نمیشه انداخت! من می‌خوام بگم مگر اینهمه حکومتهایی که در تاریخ ایران بوده اند حکومت صفویان و عباسیان و افشاریان و زندیان و غیره، و مگر همین ناصرالدین شان نمیگفت که ما سایه خدا هستیم بر سر مردم، ولی چی شد؟! مگه پهلوی در طول پنجاه سال باقی ماند که جمهوری اسلامی هم بماند! اینهم رفتنی ست و هیچ حکومتی به این شکل پایدار نبوده .

مردی از ایران

سلام و با دروهای گرم به شما و حزب کمونیست کارگری ایران.

اتحادیه دانشجویان دانشگاه منیتوبا در کانادا از مبارزات دانشجویان شیراز حمایت کرد و خواستار آزادی دانشجویان دستگیر شده شد!

شایسته گرمترین حمایتهاست ما همه سازمانهای دانشجویی، کارگری و همه انسانها و نهادهای مدافع حقوق انسان در سطح جهان را فرا می خوانیم که از مبارزات دانشجویان در شیراز حمایت کنند و خواستار آزادی دانشجویان دستگیر شده و لغو احکام انضباطی علیه دانشجویان شوند.

تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ ژانویه ۲۰۰۹

هادی الم لی (یک ترم تعلیق از تحصیل و ارجاع به کمیته انضباطی مرکزی)
آلما رنجبر (دو ترم تعلیق از تحصیل)
امین کریمی (یک ترم تعلیق از تحصیل)
امین درستی (توییح کتبی و درج در پرونده)
مبارزات دانشجویان شیراز با شعارهایی نظیر "خامنه ای پینوشه ایران شبلی نمی شه" به نماد مهمی از مبارزات مردم ایران بر علیه حفقان و استبداد جمهوری اسلامی تبدیل شده است این مبارزه

مورد تهدید قرار گرفته اند در همین زمینه احکام انضباطی صادر شده در باره دانشجویان به قرار زیر است:
حمدالله نامجو (یک ترم تعلیق از تحصیل و ارجاع به کمیته انضباطی مرکزی)
نوید غفاری (یک ترم تعلیق از تحصیل و ارجاع به کمیته انضباطی مرکزی)
افشین هوشنگ (دو ترم محرومیت از تحصیل به صورت معلق)
آرش روستایی (یک ترم تعلیق از تحصیل و ارجاع به کمیته انضباطی مرکزی)

های سیاسی شان متهم و بازداشت شده اند را فوراً آزاد کند ما همچنین از شما می خواهیم که به اذیت و آزار دانشجویان پایان دهید و اجازه دهید که آنها به تحصیلات خود ادامه دهند.
لازم به توضیح است که در اثر سرکوب دانشجویان شیراز توسط جمهوری اسلامی سعید خلعتبری، عباس رحمتی، عنایت تقوی، احمد کهنسال آرش روستایی و هادی الم لی در بازداشت به سر می برند و یونس میر حسینی، حمداله نامجو، اسماعیل جلیوند و آلما رنجبر به وزارت اطلاعات احضار شده اند و

رئیس اتحادیه دانشجویان دانشگاه منیتوبا (کانادا) با ۲۳۰۰۰ عضو طی یک نامه اعتراضی به جمهوری اسلامی نسبت به رفتار خشونت آمیز رژیم اسلامی علیه دانشجویان شیراز اعتراض کرده و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط دانشجویان دستگیر شده شد. در این نامه که رونوشت آن نیز برای کمیته بین المللی علیه اعدام و کمیته برای آزادی زندانیان سیاسی ارسال شده، از جمله چنین آمده است:
"اتحادیه دانشجویان دانشگاه منیتوبا از دولت ایران می خواهد که تمام دانشجویانی که بعلت فعالیت

جلسه کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران برگزار شد

به اینکه ماموریت تازه ای از سوی رهبری حزب به حسن صالحی واگذار شده است، خلیل کیوان کاندید دبیری کمیته خارج شد و به اتفاق آرا به دبیری کمیته خارج انتخاب گردید.

تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ ژانویه ۲۰۰۹

دبیر و هیئت اجرایی در دستور قرار گرفت. کمیته خارج به اتفاق آرا یک هیئت اجرایی چهار نفره برای هدایت تشکیلات خارج انتخاب کرد. اعضا منتخب هیئت اجرایی کمیته خارج عبارتند از نازی برومند، محمد شکوهی، خلیل کیوان و حسن صالحی. با توجه

بیشتر در این جهت تاکید شد. در این مبحث وضعیت تشکیلات های کشوری نیز مورد بررسی قرار گرفت. جلسه تاکید کرد که در این زمینه لازم است اقداماتی در دستور کمیته خارج قرار گیرد. دومین و آخرین دستور جلسه انتخابات بود. به این ترتیب انتخاب

انتخابات. در بخش گزارش، بطور فشرده به اقدامات انجام گرفته توسط تشکیلات های کشوری، نهادهای پیرامونی حزب و فعالیت کادرهای حزب بر اساس جهت گیریهای کنفرانس دوم پرداخته شد و بر لزوم انجام اقداماتی

جلسه کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران، پنجشنبه ۹ ژانویه با شرکت اکثریت اعضا آن تشکیل شد. دستور این جلسه عبارت بود از: ۱- گزارش فعالیت های تشکیلات خارج کشور حزب از مقطع کنفرانس دوم تا کنون و بحث و تبادل نظر در مورد آن. و ۲-

از صفحه ۶ صدای مردم در کانال جدید ...

که کلاه سر مردم بگذارند تا مردم را بچاپند. ای ملت همه اینها دروغه. تا بیست سال پیش مسجد رفتن و بعدا دیگر توبه کردم و نه مسجد رفتن و نه نماز خواندن. میگفتند که آقایی که قرآن را باز میکند و میخواند باید بدنش بلرزد و گردنش اندازه انگشت باشد! اینها که روز بروز گردنهاشون از یخچال هم کلفت تر میشه! پس دین کجا رفت! ای مردم به پیر، به پیغمبر که من دیگه قبولش ندارم، اینها همه دروغه! اینها سی سال است با دین ما را فلج کردند! ناموس ما را از ما گرفتند و بیکارمان کردند و جوانان ما را معتاد کردند و دخترانمان را فاحشه کردند. اینها دروغ میگند! به امید دیدار آقا کیوان. کارگری از ایران

همچون صدف - با چنین حزبی توانیم کشت و کار - من قبادم با مرادی کرده ام پیوند تا کاری کنیم - تا از این فاشیسم پوشالی برآیم ما نفس . قباد عضوی از ایران

سلام کیوان عزیز. حال شما خوبه؟ میخواستم خدمتتان عرض کنم که محسن هستم از ایران. اینهایی که میرن بالای منبر و میگن آدم گرسنه ایمان نداره، خب حالا همه گرسنه اند! کی ایمان داره حالا! اینها با دین آمدند جلو و کلاه سر مردم گذاشتند تا جیبهای خودشان را پرکنند. هیچ خبری هیچ جایی نیست. پارسال آخوندی از بهشت و جهنم میگفت و من بلند شدم گفتم حاج آقا اگر بهشتی وجود داشته باشه دورش سیم خاردار میکشید و ما مستضعفها را راه نمیدید! کی از بهشت خبر آوردند؟! اینها همه اش سیاست است

برو دزدی کن. گفتم دستت درد نکند! من دارم کاسی میکنم میگی برو دزدی کن! میرم کارگری میکنم حقوقم را میدن. من یک استاد کارم ولی روزی پنج هزار تومان میدادند! خب من اینترا به کی بگم؟ من فردا میخوام چه جور زندگی کنم؟ به امید حق که این رژیم را با هم بیاندازیم. جوانی از کرمانشاه

سلام کیوان جاوید. من قبادم عضو حزب کمونیست کارگری. میخوام شعری بخوانم. من برای منصور میپویم که او حلاج وار - او نشده حکمتیست و راه او شد پایدار - من جز او راههای دیگر را نپویم تا ابد - او مساوات و حقوق کارگر آرد ببار - آب مان در آمده چون دین و ایمانم همی - آب چون دریا شود در صدف آرد ببار - کارگر در باد و حزب کارگر

ولی الان دارم تزریق میکنم و این یک واقعیت است! خب معلومه هیچکس بمن کمک نمیکند و دنیا توی سرم میزند و بیکاری و بیعاری و همه اینها برای من درد شده اند. من همیشه به برنامه های شما نگاه میکنم و میگویم خدایا مگر شما برای ما کاری کنید. امیدوارم ما را از دست این رژیم راحت کنید. ما جوانان کرمانشاهی منتظر جرقه ایم و ما این رژیم را نمیخواهیم. یعنی چیزی ندارند که بخوایمشان. من دارم نابود میشم خب حرفم را به کی بگم؟ من یکموقع بیکار بودم رفتم کاسی کردم، به چرخ کوچک داشتم باهاش میوه فروشی میکردم. بیکروز ماموران انتظامات منو گرفتند و چرخم را هم نگهداشتند و هرچه گفتم من بیکارم و جوانم چکار کنم گفتند

خواستم فقط بگم که از برنامه های کانال جدید بسیار استفاده میبریم و بسیار خوب تهیه میشوند و پیام آور هستند و یک تحول بزرگی را در ایران باعث خواهند شد. ما در این سی سال تجربه سختی داشته ایم اما امیدوارم دیگر ملت ما راه اشتباهی نروند و دنبال این جریانات منحرف نروند حالا از هر نوعش که میخواهد باشد. مردی از ایران

سلام آقا کیوان. حقیقتش در ایران خیلی داریم سختی میکشیم و آخوندها دهن ما را سرویس کردند و با مذهب و اینجور حرفها دارند زندگی ما را ویران میکنند. من جوانی بیست ساله قبلا از استان کرمانشاه قهرمانی استان گرفته ام

این مطلب را ناصر احمدی
پیاده و تایپ کرده است.

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

اطلاعیه مطبوعاتی

آغاز کمپین علیه قوانین شریعه اسلامی در بریتانیا / "قانون برابر برای همه"



نوامبر امسال میباشد)

این کمپین با ابتکار جالبی قصد دارد در یک مسابقه هنری که شامل نقاشی، فیلم و انیمیشن و عکاسی میشود با موضوع یک قانون برای همه، به بهترین کارهای هنری که در زمینه مخالفت با قوانین مذهبی و دادگاههای شریعت اسلامی باشد جایزه اعطا کند. در عین حال این کمپین با برگزاری جلسات مختلف، با شرکت وکلای سکولار از انجمن وکلا، افکار عمومی را در جریان گزارش کارها و تاثیرات آن قرار میدهد.

مریم نمازی سازمانده و سخنگوی این کمپین میباشد.
Tel: 00447719166731
m.namazie@ukonline.co.uk
www.onelawforall.org.uk

کمپین "قانون برابر برای همه" و بر علیه قوانین شریعه در بریتانیا روز ۱۰ دسامبر ۲۰۰۸، به مناسبت روز جهانی حقوق بشر، در پارلمان این کشور شروع بکار کرد. جینا خان (فعال)، مریم نمازی (سازماندهنده کمپین)، کارلا ریور (انجمن وکلای سکولار)، جوان اسمیت (نویسنده)، این وراق (نویسنده) و کیت پورتئوس وود (انجمن سراسری سکولار) در این روز علیه قوانین اسلامی صحبت کردند. ریاست این جلسه با فریبرز پویا (انجمن سکولار ایران) بود و این جلسه افشاگری و آغاز بکار کمپین مورد پوشش رسانه ای وسیع قرار گرفت.

پس از این، کمپین موفق شد در کمتر از یک ماه، به بسیج بسیاری از شخصیتها و سازمانهای شناخته شده بپردازد. کمپین تاکنون بیش از ۵۰۰۰ امضاء حمایتی جمع کرده است.

این کمپین قصد دارد برای روز جهانی زن، تظاهراتی از ساعت 3:30 تا 4:30 در میدان ترافالگار برگزار کند و سپس از ساعت 4:30 تا 5:30 از آنجا به سمت کانوی هال راهپیمایی کنند و از ساعت ۶ تا ۸ جلسهای عمومی با عنوان "قانون شریعه، آپارتاید جنسی و حقوق زنان" برگزار می کنند. کانوی هال واقع در 25 Red Lion Square WC1R 4RL (نزدیکترین ایستگاه مترو: Holborn) است و این راهپیمایی در روز شنبه، ۷ مارس ۲۰۰۹ برگزار می شود. این تظاهرات می خواهد مخالفت عمومی با قانون شریعه و تمام دادگاهها و قوانین مذهب محور در بریتانیا و سایر نقاط جهان را اعلام کند. خواستار یک قانون سکولار و حقوق شهروندی کامل برای همه بشود و برچیدن بساط نسبیت فرهنگی را خواستار و پرچم دفاع از حقوق جهانشمول انسانی را بلند کند. (کمپین همچنین در تدارکات تظاهراتی بزرگ برای ماه

تبعیض و خشونت بر علیه زنان و کودکان، خود سنگ بنای این قوانین و برداشت اسلامی از حقوق مردم در زمینه حقوقی میباشد. در قانون شریعه اسلامی، شهادت زن در دادگاهها ارزشی نصف شهادت مرد دارد؛ قرارداد ازدواج به نحوی است که زن بی حقوق و مرد قیّم او به شمار میرود. بر اساس قانون شریعت اسلام، مرد می تواند چهار زن داشته باشد و می تواند با حق طلاق یک جانبه زنش را طلاق دهد در حالی که زن باید برای حق طلاق دوندگی کند، باید دلایلی ارائه کند که اثبات بعضی هایشان بسیار سخت است. حضانت فرزندان در سنی از پیش تعیین شده به پدر می رسد حتی اگر پدر موجب آزار و اذیت زن شده باشد؛ زنانی که دوباره ازدواج می کنند، حق حضانت فرزندان خود را از دست می دهند و پسران بر مبنای این قوانین حق برخورداری دو برابر دختران از ارث را دارا میباشند.

ماهیت داوطلبانه دادگاههای شریعه، دروغین است!

طرفداران این دادگاههای قرون وسطایی می گویند که مشتریان دادگاهها و خود برگزار کنندگان این دادگاههای اسلامی، داوطلبانه به این کار مشغولند. و طبق قانون حکمیت، دو طرف آزادند تصمیم بگیرند اختلافشان را چگونه حل میکنند. در واقعیت بسیاری از کسانی که قانون شریعه در موردشان اعمال می شود از حاشیه ای ترین بخش های جامعه هستند که کمتر اطلاعی از حقوقشان در زمینه قانون بریتانیا دارند. بسیاری، بخصوص زنان را تحت فشار می گذارند که به این دادگاهها بروند و از تصمیماتشان اطاعت کنند. مهمتر آنکه کاری می کنند تا کسانی که از قانون شریعه استفاده نکنند و یا تصمیم زندگیشان را خودشان بگیرند احساس پشیمانی کنند و با آنها به عنوان مرتد و خارجی برخورد می شود. داوطلبانه بودن و نبودن این دادگاهها به هیچ عنوان از ماهیت تبعیض آمیز آنها کم

نمیکند. بویژه آنکه به رسمیت شناخته شدن این دادگاهها از سوی دولت دیگر ارتباطی به داوطلبانه بودن آنها ندارد. ما خواهان برچیده شدن این ابزارهای اعمال تبعیض و گسترش خشونت مذهبی در جامعه هستیم.

قانون شریعه راهی سریع و ارزان برای تحمیل تبعیضاتی است!

طرفداران این قوانین می گویند دادگاههای شریعه روش آلترناتیوی برای حل دعوا و کاهش هزینه های حقوقی است. ما میگویم چرا وقتی کار به حقوق مردم می رسد، باید کاهش هزینه دولت و افزایش سرعت، به نقض جدی عدالت و حقوق انسانی مردم منجر شود؟ بسیاری از قوانینی که دادگاههای شریعه و دادگاههای مذهبی قصد عبور از آنها دارند، دستاورد مبارزه در طی قرون متعددی است. هدف این قوانین که با مبارزات بیشمار کسب شده است، بهبود حقوق آن افرادی در جامعه است که بیش از همه به حفاظت خود نیاز دارند.

قانون شریعه ارتقای حقوق اقلیت و انسجام اجتماعی نیست!

طرفداران این قوانین می گویند این حق باید به رسمیت شناخته شود که اقلیتی حق برخورداری از قضاوت شریعه اسلامی را در باره مسائل حقوقی خود داشته باشند. ما میگویم داشتن حق اعتقاد به مذهب یا بی مذهبی حق هر انسانی است، اما این حق با اعمال عقیده مذهبی بر قوانین حقوقی یک کشور کاملاً متفاوت است. ما میگویم مذهب نباید حق دخالت در تعیین قانون و اجرای آن را داشته باشد. این تنها نسخه ای برای جا باز کردن پای مذهب در قوانین دولتی است. این جا باز کردن برای تبعیض، نابرابری و قوانین نسبیت فرهنگی است. تائیس و ایجاد و استفاده از این دادگاهها به جای احقاق حق، تبعیض ایجاد می کند و برای افراد "متفاوت"،

نظامها، موازین و هنجارهای متفاوت و مجزا برپا می کند. انشقاق و تفرقه مذهبی در جامعه را افزایش می بخشد و بخش زیادی از مردم، بخصوص زنان و کودکان، را زیر دست امامها جهت اعمال بی حقوقی، بدون حفاظتها میکند. حاشیه ای بودن و جدایی بیشتر جوامع مهاجر را افزایش می دهد. این قانون تضمین می کند که مهاجران و تازه واردین همیشه اقلیت بمانند و هیچوقت شهروند برابر جامعه نشوند.

یک قانون برای همه!

حقوق، عدالت، قانون، برابری و احترام برای مردم است و نه برای باورها. در جامعه مدنی مردم باید تحت قانون، حقوق شهروندی و برابری کامل داشته باشند. در نتیجه قانون شریعه مغایر با حقوق بنیادین بشر است. برای حفاظت از حقوق و آزادی های ساکنین بریتانیا باید قانونی سکولار برای همه داشته باشیم و قانون شریعه را کنار بگذاریم.

تومار

یک قانون برای همه!

* ما از دولت بریتانیا می خواهیم که اعلام کند شریعه و تمام قوانین مذهبی خودسرانه و بخصوص علیه زنان و کودکان و تبعیض آمیز هستند. ما بر این باوریم که بر سر حقوق شهروندی مردم نمی شود معامله کرد.

* ما تقاضا می کنیم که این قوانین تغییر یابد، به نحوی که تمام دادگاههای مذهبی بطور کلی از نظام قضایی کشور حذف و غیر قانونی اعلام شوند.

بیش از ۵۰۰۰ نفر فی الحال این تومار را امضا کرده اند؛ در زیر نام بعضی از امضا کنندگان کمپین را می بینید؛
XXX

لطفاً برای دیدن اسامی امضا کنندگان به سایت زیر مراجعه کنید:

www.onelawforall.org.uk

مسئول صفحه بندی انترناسیونال: آرش ناصری

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!